

امکان سنجی فقهی-اقتصادی استفاده از نهاد وقف در تامین مالی خرد اسلامی

حسین میسمی^۱
محسن عبدالهی^۲
مهدی قائمی اصل^۳

چکیده

این تحقیق^۴ الگوی استفاده از نهاد اسلامی وقف در موسسات تامین مالی خرد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. در واقع ضمن بررسی انواع گوناگون منابع وقفی که می توانند به عنوان منبع درآمدی برای موسسه تامین مالی خرد مطرح باشند (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف)، مزیت های اقتصادی که در صورت استفاده از نهاد وقف در تامین مالی خرد اسلامی در حوزه تجهیز منابع و همچنین استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله ای و قرض الحسنه) در حوزه تخصیص منابع، ایجاد می شود را مورد بحث قرار می دهد. یافته های این تحقیق نشان می دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی-اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای موسسه تامین مالی خرد در نظر گرفته شود. همچنین الگوی ارائه شده در این تحقیق می تواند درس های مناسبی برای بانک ها و موسسات قرض الحسنه در کشور به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی: تامین مالی خرد اسلامی، وقف، نظام تامین مالی اسلامی، ایران، قرض الحسنه.

طبقه بندی JEL: L87; O10; O16; Z10

۱. دانشجوی دکترای رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. (نویسنده مسئول، تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۲۶۵۹۶)؛ meisami@isu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛ m.abdolahy@isu.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛ ghaemiasl@isu.ac.ir
۴. لازم به ذکر است که این تحقیق «در حال تکمیل» می باشد. از این رو از خوانندگان محترم تقاضا داریم نکات انتقادی و اصلاحی خود در رابطه با تمامی مطالب بیان شده و به طور خاص پاسخ های اجمالی و یا مبسوط به سوالات مطرح شده در بخش انتهایی مقاله را به آدرس الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال نمایند.

۱- مقدمه

مروری بر آیات، روایات و منابع دینی در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که از بین بردن فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، از اهداف مهم نظام اسلامی و بالتبع اقتصاد اسلامی به شمار می‌آید. از این رو، در جامعه اسلامی، لازم است تمامی روابط اقتصادی و مالی به نحوی تنظیم گردد که نظام اقتصادی بتواند در راستای تامین اهداف مورد نظر اسلام حرکت کند. از طرف دیگر، نظام تامین مالی اسلامی، به عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع‌تر به نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تامین اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی‌تفاوت و یا کم‌توجه باشد. از اینرو می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت رفع فقر و تقویت عدل و احسان در جامعه از جمله اهداف اصلی نظام مالی اسلام است (صدیقی^۱، ۲۰۰۴؛ خان^۲، ۱۹۹۷). بنابراین لازم است بانکداری و تامین مالی اسلامی به اهداف اجتماعی خود مانند رفع فقر و توانمندسازی گروه‌های پایین درآمدی توجه ویژه‌ای داشته باشد (چپرا^۳، ۱۹۸۵).

در چند دهه اخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارائه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تامین مالی خرد»^۴ به وجود آمده است. هدف اصلی این نوع از تامین مالی، ارائه خدمات به افرادی است که به دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. به طور دقیق‌تر، می‌توان تامین مالی خرد را به عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌های با درآمد پایین، مانند صنعت‌گران، کشاورزان و پیمانکاران خرد تعریف نمود. این افراد معمولاً به دلیل اینکه دارای رتبه اعتباری^۵ پایین‌تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر موسسات مالی متعارف، قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، به دلیل بالا بودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارائه وام‌های خرد، چالش وثیقه و احتمال بالای نکولی که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و موسسات

-
1. Seddighi
 2. Khan
 3. Chapra
 4. Micro Finance
 5. Credit worthiness

مالی معمولاً از ارائه وام‌های خرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کالیم و احمد^۱، ۲۰۰۹، ص ۳).

از طرف دیگر این یک واقعیت است که تجربه تامین مالی خرد اسلامی در چند دهه اخیر رو به رشد بوده است. در واقع از زمانی که پروفیسور محمد یونس و بانک گرامین جایزه صلح نوبل را به منظور فعالیتشان در زمینه تامین مالی خرد دریافت کردند، تجربه تامین مالی خرد در بنگلادش و سایر کشورهای در حال توسعه، رشد چشمگیری پیدا کرده است. به عنوان نمونه بانک گرامین با رشد ۱۱۳/۵ درصدی وام‌هایش روبه‌رو گردیده و حجم وام‌های خرد ارائه شده توسط این موسسه از ۲۲۹/۱۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به ۴۴۸/۴۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است (احمد، ۲۰۰۷).

مسئله مهم‌ترین چالش تامین مالی خرد متعارف، که استفاده کامل از این تجربه در چارچوب اسلامی را با چالش مواجه می‌سازد، مسئله بهره است. در واقع موسسات تامین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع خود را بر اساس پرداخت و دریافت بهره انجام می‌دهند و به نظر می‌رسد که معمولاً درصد بهره دریافتی توسط این موسسات بالاتر از نرخ‌های بهره معمول در اقتصاد است. به عنوان نمونه برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که حتی در کشور بنگلادش که در زمینه تامین مالی خرد پیشرو می‌باشد، اکثر موسسات نرخ بهره‌ای در حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد بر فقرا تحمیل می‌کنند (حسن و المگیر^۲، ۲۰۰۲؛ صادق^۳، ۲۰۰۷). برخی دیگر از تحقیقات نیز (ضمن بررسی تجربه تعدادی از موسسات تامین مالی خرد) نشان می‌دهند که اگر علاوه بر نرخ‌های بهره‌ای که در تامین مالی خرد متعارف به صورت صریح دریافت می‌شود، نرخ‌ها و هزینه‌های دریافتی به صورت غیرمستقیم نیز محاسبه گردد، آنگاه نرخ بهره‌ای که واقعا از فقرا دریافت می‌شود در حدود ۵۵ درصد می‌باشد که بسیار بیشتر از نرخ‌های بهره‌ای است که در بانک‌های متعارف از متقاضیان تسهیلات دریافت می‌گردد (منان^۴، ۲۰۰۷).

-
1. Kaleem and Ahmed
 2. Hassan and Alamgir
 3. Sadeq
 4. Mannan

به نظر می‌رسد تجربه موفق تامین مالی خرد، این ظرفیت را داشته باشد که در چارچوب بانکداری و تامین مالی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع این امکان وجود دارد که با انجام برخی اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز، از این تجربه در جهت کاهش فقر در کشورهای اسلامی بهره برد؛ هدفی که قطعاً از اهداف اجتماعی نظام تامین مالی اسلامی است. مسلماً یکی از مهمترین اصلاحات مورد نیاز جهت استفاده از تجربه تامین مالی خرد متعارف که بر مبنای نرخ بهره انجام می‌شود، به کار بردن ابزارهای اسلامی (عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) و نهادهای موجود در جامعه اسلامی (صدقات، اوقاف، زکات، خمس، انفال و غیره) در تجهیز منابع برای موسسه تامین مالی خرد اسلامی و به طور مشابه ابزارهای مالی اسلامی در تخصیص منابع جمع‌آوری شده است. گرچه می‌توان امکان (فقهی-اقتصادی) و نحوه استفاده از نهادهای مختلف اقتصاد اسلامی در تامین مالی خرد را مورد توجه قرار داد، اما این تحقیق با توجه به محدودیت‌های موجود، تنها به بررسی یکی از این نهادها، یعنی وقف، پرداخته و مسائل مرتبط با آن را به طور مختصر مورد بحث قرار می‌دهد. در واقع ابتدا الگوی استفاده از نهاد وقف در تامین مالی خرد اسلامی را ارائه کرده و پس از آن به ارزیابی مزیت‌های مورد انتظار از این الگو می‌پردازد.

۲- مفهوم وقف، سابقه تاریخی و شروط فقهی^۱

وقف در لغت به معنی متوقف کردن و در اصطلاح فقهی به مفهوم حبس کردن اصل مال و آزاد گذاردن منفعت آن می‌باشد^۲ (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۲). در قانون مدنی نیز وقف به این صورت تعریف شده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (قانون مدنی، ۱۳۸۵، ماده ۵۵). مقصود از حبس عین مال آن است که تصرف در آن به صورت بیع، هبه، رهن، اجاره و امثال آن ممنوع بوده و موقوفه به ارث نیز نمی‌رسد. اما منظور از

۱. لازم به ذکر است مباحث متعدد تاریخی، فقهی و حقوقی در رابطه با نهاد اقتصادی وقف در اسلام قابل طرح است که با توجه به محدودیت‌ها و اهداف این تحقیق تنها به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه

آزاد گذاردن منافع آن است که منافع و ثمرات عین، صرف مواردی می‌شود که واقف تعیین کرده است.

گرچه واژه وقف به طور خاص در قرآن نیامده است، ولی در متون مذهبی از آن تعبیر به صدقه و صدقه جاریه شده است و لذا می‌توان تمامی آیاتی که در قرآن در رابطه با صدقه آمده است را به نحوی با مفهوم وقف مرتبط دانست. اصطلاح صدقه جاریه نیز تعبیری مناسب برای وقف است. زیرا وقف از آن جهت که نوعی کمک مالی بدون عوض است، صدقه به حساب می‌آید و از آن جهت که منبعی دائمی بوده و نسل‌های متمادی از آن بهره می‌برند، مفهوم جاریه بر آن قابل انطباق است (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۵).

به نظر می‌رسد می‌توان تعریفی اقتصادی نیز برای وقف در نظر گرفت. تعریف اقتصادی وقف را می‌توان تغییر در کاربرد منابع، از مصرف نسل حاضر، به یک سرمایه‌گذاری مولد که خدمات و یا درآمدی برای مصرف نسل‌های آینده ایجاد می‌نماید، در نظر گرفت. از این رو توسعه وقف، به عنوان نهادی خصوصی (غیر دولتی) در اقتصاد اسلامی، از یک طرف موجب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف بوده و از طرف دیگر این پس‌اندازها می‌تواند در نهایت به سرمایه تبدیل شود. سرمایه‌ای که خود می‌تواند مولد کالاهای خصوصی و یا خدمات اجتماعی در حال و آینده بوده و در نتیجه زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی را فراهم آورد. همچنین نهاد وقف به دلیل ماهیت خیرانه‌ای که دارد، موجب تقویت بنیادهای اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه شده که خود منجر به ارتقاء سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد خواهد شد (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۷).

به لحاظ تاریخی گرچه دقیقاً معلوم نیست که در چه سالی قانون وقف در اسلام تشریح گردید، ولی اگر مساجد جزو موقوفات تلقی شود، اولین اقدام عملی پیامبر پس از مهاجرت به مدینه، ایجاد مسجد قبا و مسجدالنبی و پایگاهی برای عبادت، آموزش و زندگی بر اساس نهاد

وقف بوده است^۱. همچنین حضرت علی (ع) املاک متعددی داشت که آن‌ها را در زمان حیات خود وقف نموده بود. به طوری که در اواخر عمر، عواید سالانه اوقاف آن حضرت به ۲۴ هزار دینار می‌رسید. علاوه بر این نهاد وقف در تاریخ اسلام نیز سابقه درخشانی دارد (اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۸۱).

در کشور ما نیز وقف دارای سابقه‌ای درخشان و طولانی مدت است. گرچه این نهاد در دوره‌های مختلف در اقتصاد کشور ما نقشی فعال داشته است، اما دوران صفوی را می‌توان اوج توسعه و رشد اوقاف در ایران در نظر گرفت. به طوری که در پایان دوران صفوی، در شهرهای ایران، کمتر زمین زراعی و یا خانه مسکونی یافت می‌شد که تمام یا بخشی از آن وقف نبوده باشد (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۱۲). وقف در ایران ابتدا به صورت زمین، باغ و ملک بود؛ ولی بعدها و به مرور زمان، علاوه بر املاک، مستغلات زیادی از قبیل مغازه‌ها، اماکن تجاری، ابزارهای مختلف تولیدی همچون آسیاب‌ها، نانوبی‌ها، حمام‌های عمومی، قهوه‌خانه‌ها، کوره‌های گچ‌پزی، کارگاه‌های بافندگی، کشتی‌های تجاری، کتاب و کتابخانه، پول نقد و مستمری‌های مقرر دولتی برای برخی از افراد نیز جزو موقوفات گردید (اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۸۷).

در گذشته و در تاریخ ایران، بسیاری از فعالیت‌های تولیدی توسط نهاد وقف انجام می‌گرفت و بسیاری از تأسیسات زیر بنائی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای احساس کنند، توسط مردم ساخته می‌شدند. در واقع وقف از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای مهم و فراوانی در زندگی روزانه مردم بوده است. یکی از این موارد مسئله آموزش رایگان بود، که اثرات فراوانی در جامعه داشت. امروزه یکی از عمده مواردی که مستقیم و غیر مستقیم بر تولید کالاها و خدمات مؤثر است، آموزش می‌باشد و هم اکنون در بسیاری از کشورها از جمله کشور خودمان عمده‌ترین هزینه‌های بخش عمومی هزینه‌هایی است که دولت برای تأمین سطوح مختلف آموزشی متحمل می‌شود. در حالی که در گذشته این وظیفه از طریق وقف و بدون

۱. لازم به ذکر است که وقف قبل از اسلام نیز دارای سابقه می‌باشد. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این رابطه می‌فرماید: «برای وقف، حقیقت شرعی‌ای نسبت (این مفهوم توسط شرع جعل نشده است)؛ بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمامی ادیان و شاید غیر پیروان ادیان نیز مرسوم باشد» (امام خمینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۷۲).

تحمیل هزینه‌ای بر دولت انجام می‌گرفته است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که همه مدارس بنا شده در طول تاریخ اسلام به رغم تفاوت‌هایشان از لحاظ وسعت و امکانات، متکی بر وقف و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بوده است (ساعاتی، ۱۳۷۴، ص ۳).

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که در گذشته، اوقاف نقش قابل ملاحظه‌ای در تولید کالاها و خدمات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند و بسیاری از کالاهای عمومی و وظایفی که در دولت‌های مدرن توسط دولت انجام گرفته و هم اکنون یکی از چالش‌های دولت‌ها شده و با طرح مسائلی از قبیل تعدیل اقتصادی^۱، خصوصی‌سازی^۲، اندازه بهینه دولت^۳، برون‌سپاری^۴ و از این قبیل، سعی در انجام آن‌ها به روش‌های غیردولتی دارند، در گذشته از طریق نهاد وقف در جوامع اسلامی انجام می‌شده است (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۷).

در حال حاضر نیز موفوقات در کشور ما حجم عظیمی از منابع را به خود اختصاص می‌دهد. موقوفات عظیم آستان قدس رضوی در شهرها و مناطق مختلف، تنها نمونه‌ای از حجم بالای وقف در کشور است. بر اساس اظهارنظر معاون سازمان اوقاف و امور خیریه، در حال حاضر، ارزش تقریبی دارایی‌های وقف شده در ایران حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان و درآمد این موقوفات طبق آمار سال ۱۳۸۷ حدود ۸۴ میلیارد تومان است که نشان‌دهنده سوددهی یا درآمدزایی کم آن‌ها، معادل هشت ده‌هزارم است (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶، شماره ۶۰۷، ص ۶). علیرغم این ظرفیت بالا و همان‌طور که واقعیت اقتصاد ایران نشان می‌دهد، در حال حاضر وقف در کشور، دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و موثری که در تاریخ اسلام و ایران (به خصوص در برخی دوره‌ها) در جهت حل مشکلات اقتصادی به عهده داشت را ندارد. دلیل این واقعیت چیزی جز اداره غیرعلمی و سنتی دارایی‌های وقف شده و استفاده نکردن از ظرفیت‌های بالقوه این نهاد تاریخی در جهت تامین اهداف اسلامی نیست. از این رو به نظر می‌رسد لازم باشد از ویژگی انعطاف‌پذیری که در نهاد وقف وجود دارد استفاده شایانی نمود. به عبارت دیگر لازم

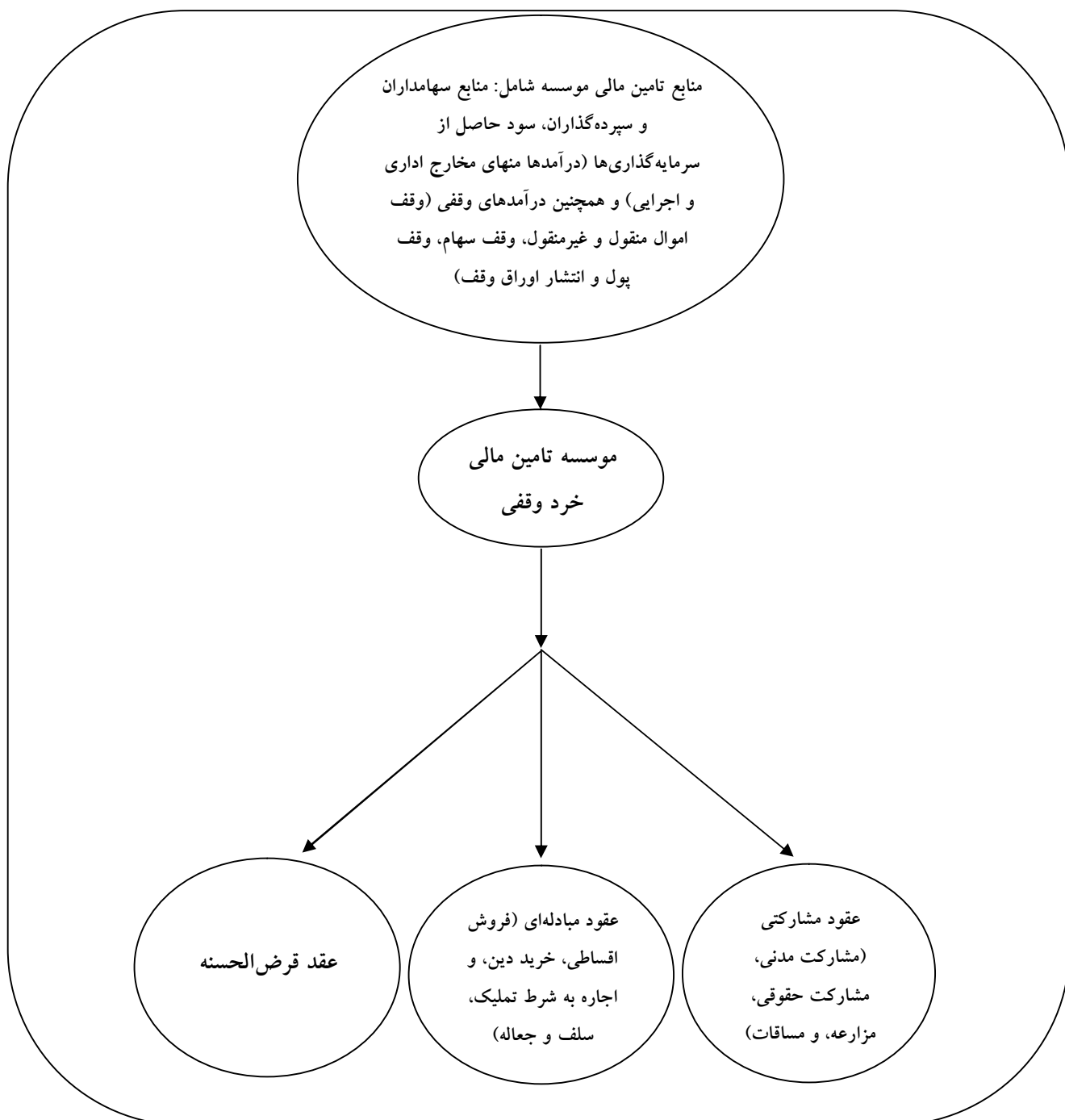
-
1. Structural adjustment Policies
 2. Privatization
 3. Optimal Size of Government
 4. Outsourcing

است علاوه بر روش اجاره‌دهی سنتی و استفاده از درآمدهای حاصل از اجاره اموال وقفی در جهت تامین اهداف واقفان، از روش‌های جدیدتری به منظور جمع‌آوری منابع وقف و همچنین تخصیص آن‌ها بهره برد. به نظر می‌رسد با ارائه تعریف وسیع‌تر از اموال قابل وقف و همچنین اداره علمی و کارآمد اموال موقوفه، می‌توان موجبات تشویق خیرین و افراد نیکوکار به مشارکت در این سنت پسندیده را فراهم آورد.

۳- الگوی تشکیل موسسه تامین مالی خرد وقفی

منظور از موسسه تامین مالی خرد وقفی، موسسه‌ای است که بخش عمده‌ای از منابع خود را با استفاده از اموال وقفی تامین می‌کند. به عبارت دیگر در بخش تجهیز منابع به طور عمده از نهاد وقف بهره می‌برد. در واقع همان‌طور که در نمودار شماره یک دیده می‌شود، موسسه تامین مالی خرد وقفی در بخش تجهیز منابع (بدهی‌ها) از ابزارها و نهادهای اسلامی و در بخش تخصیص منابع (دارایی‌ها) از ابزارهای اسلامی استفاده کرده و لذا در ابعاد مختلف از موسسات تامین مالی خرد بهره‌محور تفاوت پیدا کند. در ذیل به بررسی مختصر ویژگی‌های موسسه تامین مالی مذکور در دو حوزه تجهیز و تخصیص منابع می‌پردازیم.

نمودار شماره (۱): فرآیند تجهیز و تخصیص منابع در موسسه تامین مالی خرد وقفی



۳-۱- تجهیز منابع

مؤسسات تامین مالی خرد متعارف منابع مالی خویش را یا از طریق سپرده‌پذیری بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره انجام می‌دهند و یا از منابع بیرونی (مثلاً کمک‌های دولتی و یا بین‌المللی) استفاده می‌کنند (حبیب^۱، ۲۰۰۲). اما در مقابل مؤسسات تامین مالی خرد اسلامی از عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در جذب سپرده‌ها بهره می‌برند. علاوه بر این، می‌توانند از نهادهای اقتصادی اسلام نیز به منظور تامین منابع خویش بهره ببرند. نهادهایی چون وقف، قرض‌الحسنه، خمس، زکات، انفال، فیه و غیره^۲. در الگوی پیشنهادی این تحقیق، مهمترین منبعی که برای تامین مالی موسسه در نظر گرفته شده است، نهاد وقف است که در چهار صورت (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف) تجلی می‌یابد. در ذیل به صورت مختصر به بررسی فقهی هر یک از این موارد می‌پردازیم. در هر مورد لازم است چهار شرط فقهی مورد توجه باشد؛ شرایطی که عمومی بوده و لازم است که در هر مال وقفی وجود داشته باشند. این شرایط عبارت‌اند از: عین بودن، مالکیت واقف نسبت به مال، قابلیت بقاء عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۸۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۳).

الف- وقف اموال

یکی از منابع تجهیز برای موسسه تامین مالی خرد وقفی، دریافت و استفاده از اموال منقول و غیرمنقولی است که دارای چهار ویژگی فوق‌الذکر بوده و توسط افراد خیر به منظور کمک به فقرا وقف می‌شود. در واقع موسسه، به عنوان متولی^۳، اموال مذکور را بر اساس صیغه وقف از واقفان

1. Habib

۲. لازم به ذکر است که هر یک از این موارد در فقه شیعی دارای ضوابط مشخص و متفاوتی می‌باشد که لازم است موسسه تامین مالی خرد به آن توجه داشته باشد.

۳. بر اساس ضوابط فقهی، ارکان وقف عبارتند از واقف، موقوف علیهم، مال موقوف (عین موقوفه) و متولی. وقف‌کننده را واقف و کسانی که وقف برای استفاده آنها صورت می‌پذیرد را موقوف‌علیهم و مورد وقف را عین موقوفه گویند. به کسی که اداره امور موقوفه را بر عهده می‌گیرد نیز متولی وقف گفته می‌شود. واقف می‌تواند از منافع موقوفه، سهمی را به عنوان اجرت یا حق‌التولیه برای متولی معین نماید و اگر معین نکرده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل است (امام خمینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۷۲).

دریافت کرده و متعهد می‌شود تا این اموال را تنها در جهت حل مشکلات فقرا به مصرف برساند. لازم به ذکر است با توجه به ماهیت تامین مالی خرد و اهدافی که در جهت کمک به گروه‌های پایین درآمدی و حل مشکل فقر در جامعه دارد، موسسه تامین مالی خرد وقفی تنها می‌تواند با آن دسته از واقفان همکاری کند که به منظور حل مشکل فقر، اموال خود را وقف می‌کنند. از این رو واقفانی که اهداف دیگری مانند ساختن و یا کمک به مساجد، تعمیر پل‌ها و معابر، احداث و تجهیز قبرستان‌ها و غیره، دارند، نمی‌تواند با موسسه تامین مالی خرد وقفی همکاری کنند. البته همان طور که در بخش قبل دیدیم، به لحاظ تاریخی اکثر موقوفات با هدف رفع فقر انجام می‌شود.

همچنین لازم به ذکر است که موسسه مذکور این امکان را برای واقفان فراهم می‌آورد که یا اموال خود را به صورت عام وقف فقرا کنند و یا وقف گروه‌های خاصی از فقرا نمایند (به عنوان نمونه دانشجویان فقیر)؛ که در صورت دوم، موسسه به عنوان متولی وقف، متعهد است که منافع حاصل از این اموال را فقط در جهت همان گروه‌های تعیین شده به مصرف برساند. علاوه بر این، موسسه این امکان را برای واقف فراهم می‌آورد که بین ارائه وام‌های مصرفی و یا تولیدی به فقرا انتخاب نماید؛ چرا که همان طور که در بخش بعد خواهیم دید، در موسسه مذکور هر دو نوع وام پرداخت می‌شود.

ب- وقف سهام

در خصوص سهام شرکت‌ها و امکان پذیر بودن وقف آن، می‌توان ادعا کرد که از چهار شرط عین بودن، مالکیت واقف نسبت به مال، قابلیت بقاء عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض، موارد دوم و سوم، در مورد سهام بدون هیچ تردیدی وجود دارد. در واقع سهام، در تملک دارنده آن قرار داشته (شرط دوم) و امکان بهره‌مندی از منافع آن همراه با باقی ماندن عین، فراهم است (شرط سوم). اما در رابطه با قابلیت قبض و اقباض نیز می‌توان گفت هم به لحاظ عرف و هم به لحاظ قانون (مواد ۳۹ و ۴۰ قانون تجارت)، امکان قبض و اقباض برگه سهام وجود دارد. تنها موردی که در رابطه با سهام می‌تواند محل اختلاف باشد مورد اول یعنی عین بودن است. عین به

لحاظ فقهی در مقابل سه موضوع قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از دین، مال مبهم و منفعت (صاحب جواهر، ۱۹۸۱، ج ۲۸، ص ۱۴). در این رابطه نیز برخی تحقیقات به درستی نشان داده‌اند که با توجه به اینکه منظور از سهام برگه یا ورق سهام نبوده و حصّه یا بخشی از مال شرکت است که بر اساس برگه در اختیار فرد قرار می‌گیرد، و لذا شرط عین بودن نیز در مورد سهام برقرار می‌باشد (مصباحی مقدم و شکری، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

بنابر آنچه مطرح شد به نظر می‌رسد وقف سهام نیز بتواند به عنوان منبع دیگری برای موسسه تامین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیران سهام شرکت‌ها و موسساتی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و موسسه را متولّی مصرف منافع قرار می‌دهند. در اینجا هم باید واقفان تنها به منظور کمک به فقرا سهام خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم خواهد بود.

ج- وقف پول

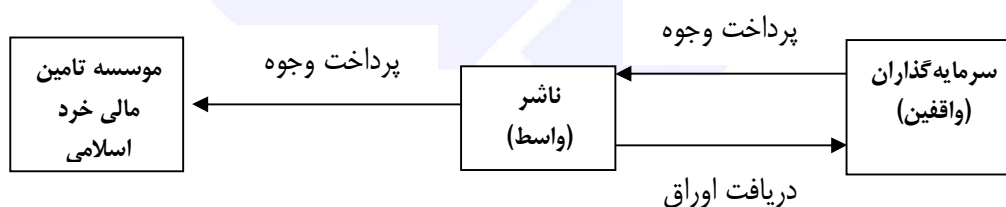
اما در رابطه با وقف پول، به نظر می‌رسد از چهار شرط مذکور موارد مالکیت واقف و وجود امکان اقباض در مورد پول نیز به لحاظ عرفی کاملاً قابل تصوّر باشد. اما در رابطه با دو شرط عین بودن و قابلیت بقاء همراه با انتفاع، برخی از محققین به درستی مسئله بقاء مالیت را در مورد پول مطرح کرده‌اند. در واقع در این دیدگاه، دو نوع حبس در وقف قابل تصوّر است. یکی حبس عین مال، که مخصوص عروض (کالاها) می‌باشد و دیگری حبس مالیت مال، که مخصوص نقود می‌باشد. بنابراین در وقف عروض، بقای رقبه مال (عین مال) با وجود انتفاع، شرط است؛ ولی در وقف نقود، بقای مالیت مال با وجود انتفاع، شرط می‌باشد (دادگر و سعادت‌فر، ۱۳۸۶، ص ۱۶؛ مصباحی مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۳). بنابراین وقف پول نیز می‌تواند به عنوان منبع دیگری برای موسسه تامین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیران و جوهی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و موسسه را متولّی استفاده از مصرف منافع قرار می‌دهند. موسسه از این وجوه به منظور ارائه وام‌های مصرفی و تولیدی به فقرا استفاده می‌کند. در اینجا هم باید واقفان

تنها به منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم خواهد بود.

د- انتشار اوراق وقف

یکی دیگر از راه‌های تجهیز منابع مالی برای موسسه تامین مالی خرد وقفی انتشار اوراق وقف است. این دسته از اوراق، در گروه اوراق اسلامی غیر انتفاعی (صکوک غیر سرمایه‌گذاری) قرار می‌گیرند. دارندگان اوراق وقف افرادی هستند که به هر دلیلی تمایل به وقف نمودن دارایی خاص با مبالغ اندک دارند (سروش، ۱۳۸۷، ص ۵). همان طور که در شکل شماره دو ملاحظه می‌شود، در انتشار این اوراق موسسه تامین مالی خرد وقفی به عنوان بانی عمل می‌کند. در واقع موسسه با تأسیس یک نهاد واسط اقدام به انتشار اوراق وقف نموده و وجوه بدست آمده را در اختیار می‌گیرد. در این نوع اوراق بانی موظف است وجوه بدست آمده را بر اساس امیدنامه (وقف‌نامه) منتشره هنگام فروش اوراق، صرف نماید. در اینجا نیز لازم است واقفان تنها به منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم باشد.

نمودار شماره (۲): فرآیند انتشار اوراق وقف



۳-۲- تخصیص منابع

همان طور که ذکر شد تخصیص منابع در موسسات تامین مالی خرد متعارف، به طور عمده بر اساس عقد قرض و دریافت بهره (ربا) انجام می‌شود. اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، لازم است در ارائه تامین مالی خرد اسلامی از عقود مختلفی که در نظام مالی اسلام وجود دارد استفاده شود. عقود مذکور (که در بانک‌های اسلامی نیز به منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد) را می‌توان در چهار گروه کلی تقسیم‌بندی نمود که عبارت‌اند از عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت، عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر، و عقد قرض‌الحسنه. سه مورد اول مخصوص وام‌های تولیدی بوده و مورد آخر مربوط به وام‌های مصرفی می‌باشد. در ذیل به بیان هر یک از این موارد می‌پردازیم (موسویان، ۱۳۸۳، صص ۱۶۶-۱۷۵):

- عقود مشارکتی: در این عقود موسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تامین می‌کند و در نهایت و بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می‌گردد. این عقود در نظام بانکداری بدون ربا^۱ عبارت‌اند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه، و مساقات.

- عقود با بازدهی ثابت: در این دسته از عقود نیز موسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف نمودن نیاز یک خانوار را تامین می‌کند؛ با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی سود موسسه معلوم و معین است. بنابراین تحولات آتی اقتصاد و یا تغییرات ایجاد شده در طرح اقتصادی مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات موسسه پیدا نمی‌کند. این عقود عبارت‌اند از: فروش اقساطی، خرید دین، و اجاره به شرط تملیک.

۱. لازم است توجه شود که در این مقاله الگوی تامین مالی خرد اسلامی در چارچوب مدل بانکداری بدون ربا^۱ شیعی و ایرانی (قانون بانکداری بدون ربا) طرح می‌شود. اما می‌دانیم که این الگو تنها الگوی این نوع بانکداری نیست. بلکه میان الگوهای مختلف بر اساس اختلافات فقهی که بین مذاهب اسلامی وجود دارد، تفاوت‌های دیده می‌شود. مثلاً در حالی که طبق فقه اهل تسنن عقد مضاربه عقدی موسع و عام می‌باشد، بر اساس فقه شیعه و قانون عملیات بانکی ایران، مضاربه تنها در بخش تخصیص منابع آن هم برای بخش بازرگانی کاربرد دارد. در واقع در این الگو مضاربه عقدی مضیق است (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۷). به هر حال می‌توان مباحث مطرح شده در این مقاله را در قالب دیگر الگوهای بانکداری اسلامی نیز بررسی کرد. واضح است که انجام این کار تغییر اساسی در تحلیل‌های انجام شده، ایجاد نمی‌کند.

- عقود با بازدهی متغیر: در این عقود نیز موسسه بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول مورد نیاز یک خانوار را تامین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود موسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد. بلکه حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای موسسه رخ نداده و بلکه متحمل ضرر نیز گردد.^۱ این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد.

- قرض الحسنه: در این عقد موسسه مالی منابعی که در اختیار دارد را بر اساس عقد قرض الحسنه در اختیار بنگاه تولیدی و یا خانوار نیازمند قرار داده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند.

۴- مزایای تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق جهت تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی، مزایای اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته باشد. در واقع اگر موسسه تامین مالی خرد در سمت بدهی (تجهیز منابع) از ابزارها (عقود) و نهادهای اسلامی بهره برده و در سمت دارایی (تخصیص منابع) نیز از ابزارهای اسلامی استفاده کند، ویژگی‌های مثبتی ایجاد می‌کند که در این قسمت به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.^۲

الف- حل چالش کمبود منابع مالی

همان‌طور که برخی تحقیقات به خوبی نشان داده‌اند یکی از مشکلاتی که موسسات تامین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند، مسئله تامین نقدینگی می‌باشد. به این معنی که این دسته از موسسات معمولاً با کمبود منابع مواجه می‌باشند. به عنوان نمونه احمد (۲۰۰۲) در تحقیق خود

۱. لازم به ذکر است معمولاً در عمل، بازدهی این عقود با اتخاذ تمهیداتی ثابت می‌گردد و در واقع مشابه عقود گروه دوم می‌گردند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). با توجه به این مطلب، می‌توان گروه دوم و سوم را عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت در نظر گرفت.

۲. لازم است توجه شود که مزایای مطرح شده در این بخش، مختص الگوی پیشنهادی بوده و در سایر الگوها موجود نمی‌باشد. بنابراین به منظور جلوگیری از اطاله کلام از بیان مزیت‌های عمومی تامین مالی خرد مانند حل مشکل وثیقه با استفاده از وام‌دهی گروهی خودداری شده است.

بر روی تعدادی از موسسات تامین مالی خرد بنگلادش نشان می‌دهد که کمبود منابع مالی یکی از محدودیت‌های اصلی پیش‌روی رشد و فعالیت این دسته از موسسات به حساب می‌آید. این در حالی است که به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌هایی که در الگوی پیشنهادی در این تحقیق وجود دارد، آن است که اجرای صحیح این الگو منجر به ایجاد منابع قابل توجهی برای موسسه تامین مالی خرد می‌شود. در واقع در این الگو منابع خرد و کلان واقفان چه به صورت کالا و اموال منقول و غیر منقول و چه به صورت وجوه نقد و سهام جمع‌آوری شده و به عنوان منبعی برای موسسه تامین مالی خرد به حساب می‌آید.

ب- مدیریت صحیح و کارآمدسازی استفاده از منابع وقفی

یکی از چالش‌هایی که نظام وقف در کشور ما و اکثر کشورها با آن مواجه است مسئله عدم استفاده صحیح و کارآمد از منابع وقفی است. در واقع همان‌طور که برخی از تحقیقات نشان داده‌اند، میزان درآمدی که از حجم عظیم وقف بدست می‌آید بسیار ناچیز بوده و وظایف اقتصادی که وقف در گذشته در جوامع اسلامی انجام می‌داد، امروزه دیگر وجود ندارد (مصباحی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵). این در حالی است که در الگوی پیشنهادی ویژگی‌های مشخصی وجود دارد که منجر به افزایش کارایی استفاده از منابع وقفی می‌شود. در واقع به دلیل وجود بازده به مقیاس^۱ برای موسسه تامین مالی خرد وقفی، امکان انجام فعالیت‌هایی برای موسسه ممکن می‌شود که برای واقفان فردی و سستی چنین مزایایی به هیچ وجه فراهم نیست. به عنوان نمونه تمییز بین فقرای واقعی و افرادی که در واقع فقیر نیستند و یا بین فقرای تولیدی و مصرفی، ایجاد گروه‌های تولیدی از فقرا و ارائه وام به صورت گروهی، نظارت بر استفاده بهینه از منابع وقفی، ارزیابی پروژه‌های مختلفی که توسط گروه‌های خرد ارائه می‌شود و انتخاب کارآمدترین آن‌ها، نظارت دائمی بر وام‌های مصرفی و تولیدی و غیره.

1. Return to scale

ج- جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خرد و مشارکت افراد بیشتری در سنت حسنه

وقف

در حال حاضر برای افراد دارای دارایی‌های خرد نمی‌صرفد که اموال خود را وقف کنند. چرا که در این صورت لازم است فرد واقف برای مطمئن شدن از تامین اهدافی که از وقف دارد، متولی تعیین کند. اما با توجه به خرد بودن وقف، درآمد حاصل از آن به اندازه‌ای نیست که تامین دستمزد متولی را بنماید. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی، موسسه به عنوان متولی رایگان برای تمامی وجوه خرد عمل کرده و لذا اموال و وجوه خرد نیز می‌توانند در سنت حسنه وقف مشارکت کنند.

د- افزایش کارایی اقتصادی

کارایی به معنی تولید بیشتر با نهاده کمتر است و کارایی تخصیصی که در اینجا مورد توجه است، به معنی تخصیص منابع جامعه به گونه‌ای است که تولید کل حداکثر گردد. این امر زمانی برقرار می‌شود که در کل اقتصاد بهره‌وری نهایی سرمایه‌گذاری در تمامی صنایع برابر باشد. نتیجه این حالت نسبتاً ایده آل، آن است که سرمایه باید در جایی سرمایه‌گذاری شود که حداکثر بازدهی (سوددهی) را داشته باشد (الجرحی^۱، ۲۰۰۲). اما در شرایطی که موسسه تامین مالی خرد از عقد قرض در تامین مالی گروه استفاده کند، در رابطه با بازپرداخت وام پرداختی (و نه الزاماً موفقیت طرح اقتصادی) نگرانی دارد. این نگرانی‌ها زمانی به بهترین نحو مرتفع می‌شود که اعضای گروه قبل از دریافت وام، به منظور مواجه شدن با تعهدات پرداختی که از این وام به وجود می‌آید، منابع کافی در اختیار داشته و به موفقیت طرحی که برای تامین مالی اش وام دریافت کرده‌اند، وابستگی نداشته باشند. به همین دلیل است که شایستگی اعتباری^۲ اعضای گروه اولین موردی است که تامین مالی کننده در نظام متعارف در نظر می‌گیرد. البته داشتن پیش‌بینی موفقیت و ایجاد سود توسط اعضا نیز بسیار مهم است؛ ولی این شاخصه رتبه دوم از مواردی که تامین مالی کننده

1. Al-Jarhi

2. Creditworthiness

در نظر می‌گیرد را به خود اختصاص می‌دهد. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی به دلیل آنکه موسسه منابع تولیدی خود را بر اساس عقود اسلامی ارائه می‌کند، در رابطه با موفقیت پروژه‌ها نگرانی دارد. از اینرو اولین و مهمترین مولفه‌ای که موسسه تامین مالی خرد وقفی به منظور اعطای وام به طرح‌های گوناگون (که از طرف گروه‌های مختلف ارائه شده است) در نظر می‌گیرد، پیش‌بینی موفقیت و سوددهی طرح می‌باشد و شایستگی اعتباری اعضای گروه در رتبه دوم قرار می‌گیرد (صدیقی، ۲۰۰۴، ص ۱۰۳).

ه- تخصیص بهینه منابع و تقویت اشتغال

با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از وام‌های موسسه تامین مالی خرد اسلامی وام‌های تولیدی بوده و در این دسته از وام‌ها طرح‌های کسب و کار پیشنهادی توسط گروه‌ها مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد، منابع وقفی به صورت بهینه به بهترین و سودده‌ترین پروژه‌ها اختصاص می‌یابد. همچنین این وام‌های تولیدی منجر به اشتغال فقرا گردیده و این خود در بلند مدت آثار قابل توجهی اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. در واقع در این الگو از ظرفیت تولیدی فقرا در جهت ایجاد اشتغال استفاده می‌شود.

و- توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی

همان‌طور که تحقیقات تامین مالی خرد نشان می‌دهند، معمولاً موسسات تامین مالی خرد به گروه‌های ضعیف‌تر فقرا (فقیرترین فقرا^۱) توجهی نمی‌کنند (نورالزمان^۲، ۱۹۹۷؛ چادهری^۳، ۱۹۹۹؛ کرانشاوی^۴، ۲۰۰۷). معمولاً توجهی نیز که در این رابطه ارائه می‌شود آن است که: «ارائه تامین مالی خرد به گروه‌های به شدت فقیر نه تنها باعث نجات آن‌ها نمی‌شود، بلکه به علت عدم توانایی در بازپرداخت، باعث می‌شود هر چه بیشتر مدیون گردیده و در آینده فقیرتر گردند»

-
1. The poorest of the poor
 2. Nuruzzaman
 3. Chowdhury
 4. Karanshawy

(بادراکس و کن^۱، ۲۰۰۸، ص ۱۸۹). اما در الگوی پیشنهادی بخشی از وام‌ها (وام‌های مصرفی) بر اساس عقد قرض‌الحسنه به فقیرترین فقرا ارائه می‌شود.

ز- کاهش چالش خطر اخلاقی^۲

منظور از خطر اخلاقی آن است که وجود یک قرارداد میان دو طرف، ممکن است باعث تغییر رفتار هر دو یا یکی از آن‌ها گردد. در واقع چالش خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت می‌باشد و آن هنگامی است که وام‌گیرنده به انگیزه کسب سود بیشتر، سود یا زیان فعالیت اقتصادی را بطور صحیح گزارش ندهد (فاروق، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد در الگوی پیشنهادی چنین مشکلی وجود نداشته باشد. دلیل این امر آن است که در وام‌های تولیدی که مسئله خطر اخلاقی در آن قابل تصور است، نماینده موسسه تامین مالی خرد وقفی در تمامی مراحل به عنوان ناظر و مشاور طرح‌های اقتصادی حضور داشته و از میزان سود و زیان طرح اقتصادی آگاه است و لذا چالش خطر اخلاقی کمرنگ می‌گردد.

ح- اطلاعات نامتقارن^۳

نامتقارن بودن اطلاعات، هنگامی به وجود می‌آید که وام‌گیرنده در مواجهه با وام‌دهنده، تمایل به افشای کامل اطلاعات در مورد هزینه‌ها و درآمدهای حاصل از طرح یا فعالیت اقتصادی نداشته باشند (کارا^۴، ۱۹۹۹، ص ۱۰۱). به نظر می‌رسد چالش اطلاعات نامتقارن که یکی از دلایل عدم استقبال بانک‌های اسلامی از عقود مشارکتی است، در الگوی پیشنهادی کمرنگ گردد. دلیل این امر آن است که در این الگو موسسه تامین مالی خرد وقفی در تمامی مراحل بر اجرای صحیح پروژه‌ها در وام‌های تولیدی که ارائه می‌کند نظارت دارد و این از چالش اطلاعات نامتقارن می‌کاهد.

-
1. Boudreaux and Cowen
 2. Moral hazard
 3. Asymmetric information
 4. Kara

ط - احتمال پایین تر انحراف وام‌های تولیدی

یکی از مشکلاتی که موسسات تامین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند آن است که به دلیل آنکه افراد وام خود را بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره دریافت می‌کنند، امکان آن وجود دارد که این وجوه در حوزه تولید وارد نشده و صرف مصارف فرد گردد. اما در الگوی پیشنهادی و در حوزه وام‌های تولیدی، رابطه مشخصی بین بخش واقعی و پولی برقرار گردیده و حتما کالا جابجا می‌شود. به عبارت دیگر استفاده از عقود اسلامی منجر به کاهش مشکل انحراف وام‌ها می‌گردد. چرا که در اکثر موارد عقود اسلامی بر روی کالای واقعی انجام شده و این کالا (و نه پول نقد) به کارفرما تحویل می‌گردد (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

ی - خصوصی بودن و کوچک‌سازی دولت

یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی خصوصی بودن آن است. در واقع نهاد وقف در تاریخ اقتصادی اسلام، نهادی خصوصی بوده که در راستای اهداف اجتماعی و دولتی حرکت می‌کند. این خصلت یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی است که باعث کاهش وظیفه تصدّی‌گری (بنگاه‌داری) دولت اسلامی در حوزه رفع فقر می‌گردد؛ مسئله‌ای که بدون شک یکی از مهمترین وظایف دولت در اسلام است.

۵- نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

واقعیت آن است که نظام بانکداری اسلامی در ایران و در سطح جهان، بر حل مشکلات فقهی و اجرایی خود متمرکز شده و از اهداف اجتماعی، انسانی و اسلامی مانند عدالت، کاهش نابرابری‌های ناصحیح اجتماعی، و رفع فقر دور شده است. تجربه تأمین مالی خرد متعارف می‌تواند با انجام اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز در نظام بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و به بانک‌های اسلامی در جهت انجام وظایف اجتماعی که دارند کمک کند.

این تحقیق الگوی استفاده از نهاد اسلامی وقف در موسسات تامین مالی خرد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در واقع ضمن بررسی انواع گوناگون منابع وقفی که می‌توانند

به عنوان منبع درآمدی برای موسسه تامین مالی خرد مطرح باشند (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف)، مزیت‌های اقتصادی که در صورت استفاده از نهاد وقف در تامین مالی خرد اسلامی در حوزه تجهیز منابع و همچنین استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در حوزه تخصیص منابع، ایجاد می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی-اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای موسسه تامین مالی خرد در نظر گرفته شود. همچنین الگوی ارائه شده در این تحقیق می‌تواند درس‌های مناسبی برای بانک‌ها و موسسات قرض‌الحسنه در کشور به همراه داشته باشد.

توصیه سیاستی این تحقیق که بر اساس تحلیل نظری انجام شده، آن است که نهادهای فعال در حوزه وقف در کشور، مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، با همکاری سازمان اقتصاد اسلامی که وظیفه مدیریت نظام قرض‌الحسنه در کشور را بر عهده دارد و همچنین بانک مرکزی، در جهت اصلاح نظام وقف در کشور و تشکیل صندوق‌های تامین مالی خرد وقفی تلاش کنند. علاوه بر این می‌توان نظام قرض‌الحسنه را به نحوی بازطراحی کرد که صندوق‌های قرض‌الحسنه به موسسات تامین مالی خرد اسلامی تبدیل شده و علاوه بر وام‌های مصرفی به ارائه وام‌های خرد تولیدی به صورت گروهی نیز اقدام کنند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود ابتدا الگوی اجرایی، قانونی و آیین‌نامه‌های تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی و یا تبدیل موسسات قرض‌الحسنه به موسسات تامین مالی خرد ارائه شود، و پس از آن و با انجام اقدامات فرهنگی توسط رسانه‌های گروهی و همچنین در نظر گرفتن مشوق‌های مالیاتی و غیره، زمینه‌های لازم برای تبدیل شدن اختیاری موسسات قرض‌الحسنه فعلی به موسسات تامین مالی خرد وقفی فراهم شود. لازم به ذکر است ضرورتی وجود ندارد که صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که تازه به موسسات تامین مالی خرد تبدیل می‌شوند، بخش عمده‌ای از منابع خود را به وام‌های تولیدی اختصاص دهند؛ بلکه در کوتاه مدت می‌توانند تنها بخش کوچکی از منابع را به وام‌های تولیدی اختصاص دهند و اگر این تجربه موفق بود به تدریج این نسبت را افزایش دهند.

می‌توان مباحث مطرح شده در این تحقیق را در حوزه‌های مختلف توسعه داده و زمینه‌های کاربردی شدن هرچه بیشتر الگوی مطرح شده را فراهم کرد. به طور مشخص، تحقیقات آینده می‌توانند در جهت پاسخگویی به سوالات ذیل حرکت کنند:

۱- انواع ریسک‌هایی که موسسه تامین مالی خرد وقفی با آن مواجه می‌باشد کدام است؟ الگوی مدیریت ریسک مناسب برای موسسه کدام است؟

۲- در الگوی پیشنهادی، انواع ذخیره‌هایی که لازم است موسسه به منظور مواجهه با چالش‌های پیشنهادی (به عنوان نمونه مسئله تورم) نگه دارد کدام است؟

۳- الگوی اجرایی بهینه برای تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی کدام است؟ رابطه بهینه این نهاد با سازمان اقتصاد اسلامی، موسسات قرض‌الحسنه، بانک قرض‌الحسنه، بانک‌های اسلامی، سازمان اوقاف و بانک مرکزی کدام است؟

۴- الگوی بهینه در جهت تعیین متولی و ناظر و تبیین نحوه رابطه این دو کدام است و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۵- الگوی نظارتی بهینه برای فعالیت موسسه تامین مالی خرد وقفی کدام است و وظیفه چه سازمان‌هایی می‌باشد؟

۶- الگوی بهینه استفاده از موقوفات سنتی (که با هدف رفع فقر انجام شده‌اند) در موسسه تامین مالی خرد وقفی کدام است؟ چگونه می‌تواند از ساختار موسسه در جهت هدایت موقوفات جدید استفاده کرد؟

۷- فرآیند و الگوی بهینه ابدال و استبدال (که در فقه مطرح می‌شود) برای موسسه تامین مالی خرد وقفی کدام است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۸- دلایل معتقدان به نقش منفی نهاد وقف در توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی (به عنوان نمونه تیمور کوران^۱) کدام است؟ چگونه می‌توان به این انتقادات پاسخ داد؟

منابع و مأخذ

الف - منابع فارسی

۱. اشکوری، سید احمد، ۱۳۷۷، «موقوفات امیرالمؤمنین (ع)»، نشریه وقف: میراث جاویدان، شماره ۸.
۲. بختیاری، صادق (۱۳۸۱)، وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی، وقف، میراث جاویدان، شماره ۴۰-۳۹، سال دهم، پائیز و زمستان.
۳. بختیاری، صادق، ۱۳۸۱، «وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، نشریه وقف: میراث جاویدان، شماره ۴۰.
۴. بختیاری، صادق، ۱۳۸۱، «وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، نشریه وقف: میراث جاویدان، شماره ۴۰.
۵. خمینی، روح الله، ۱۴۰۳، «تحریر الوسيله»، بیروت، دارالانوار.
۶. دادگر، یدالله، سعادت فر، جواد، ۱۳۸۶، «امکان سنجی وقف پول»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش های اقتصادی، سال هفتم، شماره اول.
۷. ساعتی، یحیی محمود (۱۳۷۴) وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قد رضوی ص ۳۵

۸. سروش، ابوذر، ۱۳۸۷، «تامین مالی وقف با استفاده از اوراق بهادار اسلامی»، چاپ شده در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات اسوه.
۹. الشهدا الاول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، ۱۴۱۱ق، اللمعه المدمشقیه، قم، دارالفکر، الأولى
۱۰. صدیقی، محمد نجات الله، ۱۳۸۷، «ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام»، ترجمه حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
۱۱. قشقایی، محمد حسین، ۱۳۸۵، «قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات مذاکره، چاپ اول.
۱۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ هـ.ق)، شرایع الاسلام الحلال والحرام، ج ۲، تهران، انتشارات استقلال، ص ۴۴۲.
۱۳. مصباحی مقدم، غلامرضا، سیاح، سجاد، و نادری، محمد مهدی، ۱۳۸۸، «امکان سنجی وقف سهام و پول: مدل وقف سهام و پول در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، شماره ۱۲.
۱۴. مصباحی مقدم، غلامرضا و شکری، صابر، ۱۳۸۶، «وقف سهام از منظر فقهی و ارائه الگوی مالی»، فصلنامه پیام مدیریت، شماره ۲۱.
۱۵. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۳، «بانکداری اسلامی»، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۶. نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۷ ق)، «جواهر الکلام»، ج ۶، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

ب- منابع انگلیسی

1. Al-Jarhi, Mabid Ali, (2002), "Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option", Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
2. Chapra, M. Umer, (1985), "Towards a just Monetary System, The Islamic Foundation, Leicester.

3. Chowdhury, F. (1999). *“Let grassroots speak: People’s participation, self help groups and NGOs in Bangladesh”*. Dhaka: University Press Limited.
4. Habib, A. (2002). “Financing microenterprises: An analytical study of Islamic microfinance institutions”. *Islamic Economic Studies*, 9(2), 27-62.
5. Habib, A. (2007). “Waqf-Based Microfinance: Realizing The Social Role of Islamic banking”, Paper presented in the International Seminar on integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore, March 6-7, 2007.
6. Hassan, K. and Alamgir D. (2002). *“Microfinancial Services and Poverty Alleviation in Bangladesh: A Comparative Analysis of Secular and Islamic NGOs”*, in *Islamic Economic Institutions and the elimination of Poverty*, ed. Munawar Iqbal, 113-86. Leicester: The Islamic Foundation.
7. Kaleem, A. and Ahmed, S. (2009). “The Quran and Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-Based Islamic Microfinance Institutions”, *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 9, 4-15.
8. Karanshawy, H. (2007, April 17-19). Finance Plus: A model for the activation of microfinance and medium finance. Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.
9. Khan, M. Fahim (1997), "Social Dimensions of Islamic Banks in Theory and Practice," Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
10. Mannan, M. A. (2007). “Alternative micro-credit models in Bangladesh: A comparative analysis between Grameen Bank and Social Investment Bank Limited: Myths and realities”. Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.
11. Nuruzzaman, M. (1997). *“Bangladesh in the web of creeping colonialism of NGOs”*. Dhaka: The Center for Bangladesh Studies.
12. Sadeq, A. M. (2007). “Microfinance poverty alleviation and economic development: Theory and practice”. Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.